

شاخ و برگ‌های لرزان يك درخت پي‌ريشه

به موازات حرفه‌ای شدن فوتبال در کشورمان واژه‌های جدیدی وارد ساختار باشگاه‌های حاضر در لیگ برتر شد، با ورود این واژه‌ها سمت‌هایی در باشگاه‌ها درست شد که در عمل تعریف درستی برای آن وجود نداشت و این روال همچنان ادامه دارد.



جام جم آنلاین: به موازات حرفه‌ای شدن فوتبال در کشورمان واژه‌های جدیدی وارد ساختار باشگاه‌های حاضر در لیگ برتر شد، با ورود این واژه‌ها سمت‌هایی در باشگاه‌ها درست شد که در عمل تعریف درستی برای آن وجود نداشت و این روال همچنان ادامه دارد.

باشگاه‌های بزرگ مثل پرسپولیس و استقلال در این زمینه رکورددار هستند و بیشتر از آن‌که به فکر اصلاح ساختارها برای رسیدن به معنای واقعی باشگاه حرفه‌ای باشند با ایجاد این پست‌ها به تنهایی که از ریشه خشکیده است، شاخ و برگ‌هایی می‌دهند که دوام چندانی ندارد و با کوچک‌ترین تغییر و تحوّل از بین می‌رود و فراموش می‌شود.

این روزها پرسپولیس نمونه نزدیک این اتفاق است، رویانیان اولین نفری است که عجولانه به یک عضو از هرم مدیریتی باشگاهش، در فاصله زمانی کوتاهی چند عنوان می‌دهد. او در این زمینه از سایر هم‌تایانش در مدت زمان حضور در پرسپولیس پیشی گرفته و از این نظر رقابت را برده است. با مروری بر این سمت‌ها سعی داریم میزان اثرگذاری آنها در حرکت رو به جلوی باشگاه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

مدیر فنی

مدیر فنی را می‌توان قدیمی‌ترین واژه‌ای دانست که چند سالی است در فوتبال ما رواج پیدا کرده، پستی که در فوتبال دنیا کارایی خوبی دارد. به لحاظ تعریف واژه به معنای مدیریت ارشد در یک باشگاه فوتبال است که بیشتر در اروپا به معنای واقعی کاربردی فوتبالی دارد. یک مدیر فنی به عنوان واسطه بین مدیرعامل و هیأت مدیره و کادر فنی حضور دارد و باعث می‌شود تا مدیرعامل تمرکز اصلی‌اش را روی مسائل کلان متمرکز کند. در فوتبال ما با این که بزرگانی مثل علی پروین، حشمت مهاجرانی و ناصر حجازی این مسئولیت را عهده‌دار شدند، اما به معنای واقعی حوزه اختیارات یک مدیر فنی را نداشتند.

در این پست کارشناسان بر این باورند که فقط مرحوم محمد رنجبر در زمان حضور در پست مدیریت فنی تیم ملی فوتبال، عملکردی داشت که نزدیک به تعریف درست یک مدیر فنی بود.

مهدی مناجاتی در مورد پست مدیریت فنی در فوتبال کشورمان به «جام‌جم» می‌گوید: در کشورهای صاحب نام دنیا، از بزرگان فوتبال یک کشور که تجربه و کارایی لازم را داشته باشند، استفاده و برای او دایره‌ای از وظایف را تعیین می‌کنند، اما در ایران متأسفانه این سمت خوب جا نیفتاده و شاهد هستیم گاهی برخی مدیران وقتی کسی را از کادر فنی کنار می‌گذارند برای این که دلخور نشود، سمت مدیریت فنی را به او می‌دهند، در حالی که اگر عقیده به توانایی او در بعد فنی داشتند از کادر فنی کنار نمی‌رفت؛ این یک واقعیت در فوتبال ماست.

منصور پورحیدری، پیشکسوت استقلال که تجربه حضور در کنار این تیم در سمت‌های مختلف را داشته است، در گفت‌وگو با جام‌جم تصریح می‌کند: اگر بین همه افراد حاضر در یک باشگاه در سمت‌های مختلف هماهنگی لازم وجود داشته باشد، هیچ بحث حاشیه‌ای هم درست نمی‌شود. در عمل مسئولیت‌های سرمربی و مدیر فنی نباید تداخلی باهم داشته باشد، چون تصمیم‌گیرنده اصلی سرمربی است و مدیر فنی نقش نظارتی و مشورتی دارد. با این که این سال‌ها استفاده درستی از مدیر فنی نداشته‌ایم، اما خوشبختانه این مساله هم در حال جابجایی است و در سال‌های آتی می‌توانیم استفاده بهتری از نیروهای یک باشگاه داشته باشیم.

رئیس سازمان فوتبال

رئیس سازمان فوتبال هم پست جدیدی است که در چند سال اخیر برخی مدیران تعریف کرده‌اند تا به قول خودشان شخصی که عهده‌دار این سمت می‌شود، وظیفه ساماندهی فوتبال یک باشگاه در رده‌های مختلف سنی را داشته باشد.

اما فوتبال باشگاهی ما فقط سپاهان را به عنوان نمونه باشگاهی سامان یافته در رده‌های مختلف سنی دارد، باشگاهی که با تکیه بر ثبات در مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها اگر پستی هم در این زمینه تعریف کرد استفاده درستی از آن داشت و حاصل این شد که امروز این باشگاه اصفهانی در زمینه ساختارسازی سرآمد بقیه باشگاه‌های لیگ برتری بوده است.

غیر از این استقلال تلخ‌ترین خاطره را از حضور رئیس سازمان فوتبال دارد. سال 85 بود که استقلال با قهرمانی در پنجمین دوره لیگ برتر به عنوان یکی از نمایندگان ایران آماده حضور در لیگ قهرمانان آسیا می‌شد. امیر قلعه‌نویی که سرمربی تیم ملی بود به طور همزمان رئیس سازمان فوتبال استقلال هم شد و در این سمت اشتباهی مرتکب شد که هنوز هم هواداران آبی فراموش نکرده‌اند. استقلال به دلیل دیر ارسال شدن لیست بازیکنانش به AFC با حذف زودهنگام از گردونه رقابت‌ها روبه‌رو شد که آن زمان قلعه‌نویی مقصر آن شناخته شد و غیر از این حضور، در این پست ثمره دیگری برای باشگاه استقلال نداشت.

نکته: فوتبال در کشورمان از نظر ساختار شبیه تنه درختی از ریشه خشکیده است که به جای اصلاح آن شاخ و برگ‌هایش را زیاد می‌کنند؛ شاخ و برگ‌ها که دوام چندانی ندارد. حالا قرار است مهدی تاج که از سوی رویانیان به این سمت منصوب شده، پس از معارفه در برج میلاد فوتبال پرسپولیس را ساماندهی کند. رویانیان می‌گوید تمام اختیارات فوتبالی باشگاه را از صفر تا صد به تاج سپرده و این شامل تمام تیم‌ها در رده‌های سنی مختلف می‌شود. این در حالی است که نیاز اول و اساسی پرسپولیسی‌ها در لیگی که تا هفته یازدهم، تاریخی گذرانده و آمار عجیبی به ثبت رسانده‌اند، سر و سامان دادن تیم بزرگسالان است که با وجود هزینه‌های میلیاردی نتوانسته انتظارات را برآورده کند، اما رویانیان و همکارانش به نظر مشغول ساختارسازی هستند که قبلاً جواب نداده است.

مدیر راهبردی

رویانیان ابتدای همین فصل بود که پست جدیدی را به فوتبال ما هدیه کرد؛ مدیر راهبردی پرسپولیس. این سمت به علی پروین رسید، کسی که با شعار مدیرعامل برای توجه به نظرات پیشکسوتان وارد عرصه شد. رویانیان در تعریف مدیر راهبردی می‌گفت کسی که بتواند در تصمیم‌گیری‌های اصلی مثل انتخاب سرمربی خارجی یا ایرانی به باشگاه کمک کند، چندی بعد در حالی که به نظر می‌رسید علی پروین به عنوان مدیر راهبردی با مربی ایرانی موافق است، رویانیان به این جمع‌بندی رسید که مربی خارجی به درد تیمش می‌خورد و اعلام کرد باشگاه به اهداف لازم از حضور مدیر راهبردی رسیده و زمان فعالیت این مدیر تمام شده است. یعنی عملاً پروین دیگر مدیر راهبردی نبود، آیا این چیزی جز بازی با کلمات بود؟

مشاور مدیرعامل

مشاور مدیرعامل هم از این قاعده مستثنی نبوده است، یک پست اجرایی که از دید فوتبالی‌ها تشریفاتی است و هیچ اختیار اجرایی ندارد. اگر به خاطر بیاوریم روزهایی را که قلعه‌نویی در استقلال سرمربی شد و مشاور مدیرعامل بودن به حجازی رسید تا مدیر فنی نباشد که در کار قلعه‌نویی دخالت کند بر این ادعا صحه گذاشته و به این باور می‌رسیم که هیچ یک از مدیران عامل باشگاه‌ها در سطح اول فوتبال نه مشورت‌پذیر هستند و نه حتی توصیه‌پذیر که بخواهند از حضور یک مشاور استفاده درستی داشته باشند.

عضو کمیته فنی

کمیته فنی هم با وجود برخی استثنایا که در این زمینه وجود داشته، مجموعه‌ای نیست که در عمل بتواند گرهی از مشکلات فنی تیم‌های بحران‌زده باز کند. رئیس کمیته فنی هم چنین جایگاهی دارد، نمونه بارز میزان اثرگذاری کمیته فنی در زمان انتخاب سرمربی تیم ملی در فدراسیون فوتبال رخ داد، طبق ماده 55 قانون فیفا و اساسنامه فدراسیون فوتبال سرمربی تیم ملی باید بعد از تشکیل کمیته فنی و اعمال نظر اعضا انتخاب می‌شد، اما یکباره بدون توجه به این نظرات، فدراسیون فوتبال در مورد سرمربی خارجی به نتایجی رسید که اعلام کرد و همین موضوع باعث ایجاد حرف و حدیث شد. منصور ابراهیم‌زاده، یکی از اعضای کمیته فنی آن زمان فدراسیون بود که از این برخورد ناراضی به نظر می‌رسید. وی به جام‌جم می‌گوید: باید نقش کمیته فنی مشخص شود، همیشه در جلسات کمیته حرف‌های خوبی مثل برنامه‌ریزی بلندمدت، نظارت بر عملکرد مربیان، تصمیم‌گیری و رای در انتخاب‌ها زده می‌شود، اما در عمل چیز دیگری می‌بینیم که این نقش را زیر سوال می‌برد. با این وضع از مشورت راه به جایی نمی‌بریم.

رئیس کمیته فنی

علی پروین هم نمونه‌ای از رئیس کمیته فنی است که در حال حاضر این عنوان را در پرسپولیس دارد. اما وقتی با نتایج ضعیف پرسپولیس در هفته‌های نخست روبه‌رو شد به انتخاب ژوزه اعتراض کرد و با واکنش رویانیان مواجه شد تا دوباره یاد حرف قدیمی‌اش بیفتد که کمیته فنی یعنی کشک!

مدیر توسعه فوتبال

مدیر توسعه فوتبال جدید نیست، اما کمتر فعالیتی متناسب با معنای این مدیریت دیده شده و معلوم نیست چه فرقی بین رئیس سازمان فوتبال و مدیر توسعه فوتبال هست که رویانیان را وادار کرده برای رسیدن به اهداف مورد نظرش هر دو سمت را به تاج بدهد. باید برای قضاوت درباره این پست تا آخر این فصل صبر کنیم و ببینیم پرسپولیس در این زمینه چه می‌کند؟

عضو هیات مدیره و رئیس هیات مدیره

هیات مدیره با این که یکی از ضرورت‌های باشگاه‌هاست، اما در تاثیرگذار بودن آن هم بخصوص در پرسپولیس و استقلال سال‌های اخیر جای بحث وجود دارد، نفراتی با اهداف مختلف پیش‌تر از سوی سازمان ورزش و حال از سوی وزارتخانه به هیات مدیره اضافه می‌شوند که اغلب بدون این که هیچ تاثیری بگذارند کنار می‌روند و بعد از مدت‌ها دوباره روی کار می‌آیند.

محمود خوردبین، سرپرست سابق باشگاه پرسپولیس در این باره می‌گوید: جای تأسف است که حتی هیات مدیره هم نهادی بی‌اثر در اداره باشگاه‌های ایران است، نهادی که اغلب به برگزاری چند نشست در طول فصل با مدیرعامل بسنده می‌کند و تمام کارها را مدیرعامل انجام می‌دهد.

و این داستان ادامه دارد...

با این اوصاف به نظر می‌رسد باشگاه‌ها به جای استفاده از نیروهایی که در مجموعه زیرنظر خود جمع می‌کنند، به فکر بازی با عناوین هستند و بی‌آن که نتیجه‌ای بگیرند ردپایی از خود در تاریخ به جای می‌گذارند و می‌روند، اما این داستان همچنان ادامه دارد.

سارا احمدیان / جام‌جم